

# منع خشونت علیه زنان

به مناسبت روز جهانی منع خشونت علیه زنان

قانون داریم اما نظارتی بر اجرا نیست

پریا اکبری

روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان - ۲۵ نوامبر - بیانگر مفاهیم بسیاری است. این مناسبت خاطرنشان می‌کند که از دیرباز مفاهیمی همچون خشونت علیه زنان، تبعیض جنسیتی، نبود عدالت و برابری جنسیتی، عدم امنیت و آرامش و آسایش روانی و جسمی در محیط‌های گوناگون و... همگی موارد گوناگونی هستند که زنجیره‌وار به یکدیگر متصلند و برخاسته از یک مفهوم و امر هستند: امری به نام «خشونت علیه زنان».

روز جهانی «مبارزه با خشونت علیه زنان» که سالگرد قتل خواهران میرابل است از سوی سازمان ملل متحد به عنوان مبنایی نمادین برای الزام توجه و اهمیت زنان و انواع خشونت علیه آنان نامگذاری شده است.

زنان به عنوان بازوی پر قدرت دوشادوش مردان در حال کمک به رشد و پیشرفت جامعه و حفظ کانون خانواده و مدرسانی جهت توسعه هر چه بیشتر جوامع بشری هستند. لکن در این میان با اموری که این آرامش درونی زنان را دستخوش توفان و ناهمواری و ناهمگونی نامناسبی می‌کند روبه‌رو هستیم.

عدالت اجتماعی و جنسیتی چیست؟ این مفاهیم به معنی برابری و مساوات کامل میان زنان و مردان در سطوح مختلف همچون فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... است. زنان باید به صورت کاملاً برابر از تمام مزایای محیط کاری و شغلی خود بهره‌مند شوند، زنان باید در قوانین و مقررات از شرایط کاملاً یکسان با مردان برخوردار باشند. هیچ‌گاه نبایستی به جهت جنسیت، فردی از منفعت یا موقعیتی به عنوان مثال از

يك موقعيت اجتماعي يا شغلي؛ کنار گذاشته شود. اين عدالت و برابري بايد به نحو احسن در همه زمينه‌ها براي زنان فراهم باشد، به گونه‌اي که هرگز فردي از وجود و حضور خويش در هيچ مکان و محيطي معذب يا گريزان نباشد، اين امور با پديده‌اي همچون فراهم آوردن امنيت و شرايط برابر فارغ از جنسيت براي زنان نيز ارتباط تنگاتنگ دارد. به عنوان مثال زنان در مشاغلي خاص بايد در کنار مردان قبول مسووليت کنند و هرگز نبايد مانع خاصي به جهت جنسيتشان بر سر راهشان گذاشته شود، چراکه آن هنگام که به «جرم» جنسيت از موقعيت و منصب محروم ميشوند ما با پديده‌هايي همچون خشونت عليه زنان و همان تبعيض و عدم رعايت انصاف و مساوات و عدم رعايت امنيت و آرامش و بسياري امور ديگر به صورت علني روبه‌رو ميشويم.

انواع و اقسام مصاديق خشونت عليه زنان  
خشونت خانگي:

با اين عبارت آشنا هستيد؟ «چهارديواري اختياري است!» بله! درست است. مکنونات زندگي هر فردي به خودش مربوط است لکن مادامي که اين مکنونات آميخته به رنج انسان ديگري شود موضوع متفاوت است، متاسفانه پديده‌اي به نام ضرب و شتم زنان توسط مردان (همسر، پدر، برادر و...) به وفور ملاحظه ميشود. اين ميان خشونت خانگي منحصر به کتک زدن زنان نميشود بلکه با اموري مانند آزار رواني زنان همچون تحقير و توهين کلامي يا سلب آزادي فردي و شخصي زنان نيز روبه‌رو هستيم. با نگاهی به آمارها و مطالعات در مي‌يابيم اين موارد در گزارشهاي اورژانس اجتماعي يا آمار و سخنان روانشناسان بسيار وجود دارد و گزارش شده است. اگر بخواهيم کانوني را از هم بپاشيم همين بس که زنان آن آشيانه را در هم شکنيم.

ازدواج اجباري:

اين امر در گذشته بيشتر اتفاق مي‌افتاد و هم‌اکنون نيز همچنان رگه‌هايي از اين خشونت آشکار در ميان خانواده‌ها يافت ميشود، به عنوان مثال خانواده‌ها با فراهم آوردن بسترهاي خاصي و سلب آرامش دختران و با اجبار، اصرار و ابرام و با پافشاري اقدام به اجبار ازدواج دختران خود براي ازدواج با مرد مورد نظر خود مي‌کنند. در مواردی از اين دست؛ هويت و فرديت و استقلال دختران به عنوان يك انسان كاملا نادیده گرفته ميشود و با اجبار دختران به ازدواج با فردي که ميان آنها عشق و علاقه‌اي وجود ندارد تمام قدرت تصميم‌گيري زنان براي امر مهم و تصميم سرنوشت‌سازي همچون ازدواج به زير سوال ميرود و به بوته فراموشي سپرده ميشود.

ترجیح دادن فرزند پسر:

هنوز هم در بعضي نگرشها و تفكرات در کشورمان، خانواده‌هايي وجود

دارند که مصرانه وجود فرزند پسر را يك امتياز و برتري ميشمارند و حتي در گذشته‌ها با امري همچون زنده به گور كردن دختران روبه‌رو بوديم. لکن امروز در زندگي و دنياي مدرن، همچنان بعضي مردم، فرزند با جنسيت ذكور را يك افتخار ميدانند و حتي بابت آن جشن و پايكوبي برپا مي‌كنند. اين ميان فرزندان دختر با مشاهده اين خشونت قطعاً دچار تالعات روعي خواهند شد و طبعاً خانواده‌هايي با چنين تفكراتي تبعيضهاي بسيار ديگري نيز نسبت به دختران روا ميدارند و در تربيت و رفتار و آموزش نيز اين تفكرات ناشي از امتياز و ترجيح دادن پسر بر دختر خودش را به انواع و اقسام مختلف نشان مي‌دهد.

اسيدپاشي:

اين مورد نيز يكي از بدترين انواع خشونت عليه زنان است كه حيات انساني و سرشت و سرنوشت زنان را به كلي دستخوش آشوب و حتي انحراف کرده و به سمت مرگ و خودكشي مي‌كشاند. انگيزه عاملان اسيدپاشي متعدد است، مثلاً گاهي عامل اسيدپاشي كه پسري جوان است به سبب جواب رد شنيدن از دختر دست به اين عمل شوم مي‌زند، گاهي از اختلالات روعي شديد و تفكرات تندرو رنج مي‌برد، گاهي به قصد انتقام و با كينه‌توزي دست به اين كار مي‌زند و...

اما هرچه هست اين عمل موجب سوزاندن بدن و صورت و از دست دادن زيبايي و سلامت زنان ميشود و تمام آينده و اهداف زنان به سمت نيستي و فنا سوق داده ميشود و اين حقيقت تلخي است كه هرچه بخواهيم با اميدبخشي به آن بنگريم باز هم خودش را به نوعي دهشتناك به ما نشان مي‌دهد. پس بدانيم قربانيان اسيدپاشي در اكثر موارد هرگز به زندگي قبلي و عادي خود باز نمي‌گردند.

تجاوز:

بدترين درجه خشونت عليه زنان تجاوز جنسي است. طبق آمارها و ارقام و مطالعات، قربانيان تجاوز جنسي پس از سالها رنج و مرارت و تمرين خودساختگي و مبارزه و مراجعه به روانشناس و هزار و يك راه گريز از اين خشونت و خودخواهي همچنان در خواب فریاد مي‌زنند، از خود بيزارند و خود را به نوعي مقصر قلمداد مي‌كنند، با خويشتن بيگانه و نامهربان هستند و خشن و پرخاشگرند. البته اينها تنها نمونه‌ها و گوشه‌اي از رفتارهايي است كه قربانيان تجاوز پس از اين واقعه از خود بروز مي‌دهند.

به ياد پرونده ساناز مي‌افتم؛ ساناز دختر ۱۶ ساله زيبا و معصومي است. 6 ماه پيش در فضاي مجازي با پسري آشنا ميشود. سپس با موبایل هديه پدرش با پسر تماس مي‌گيرد، پسر جهت جلب اعتماد ساناز بارها و بارها با وي قرار ملاقات مي‌گذارد و به رفتن كافه بسنده مي‌كنند.

لکن یکی از روزها که ساناز به خوبی به پسر اعتماد کرده بوده ناگهان پسر به صورت مثلا اتفاقی دوستش را در خیابان می‌بیند و قصد سوار کردن او را می‌کند. سپس این دو شیطان صفت ساناز را به دره پرتی می‌برند و در گودالی که از قبل برای نقشه‌های شوم خود کنده بودند می‌اندازند و پس از تجاوز به ساناز وی را رها می‌کنند. ساناز پس از ساعت‌ها با وضعیت نامناسب توسط راننده‌های عبوری پیدا می‌شود و بلافاصله پلیس وارد ماجرا می‌شود و اکنون پرونده این شیطان‌صفتان در دست اقدام و بررسی است. لکن یک منبع نزدیک از ساناز بیان کرده با وجود روان‌درمانی‌های مکرر همچنان ساناز هر روز قصد خودکشی دارد.

سانازهای بسیاری هستند که پس از این حادثه در نتیجه شوک ناشی از آن یا تنفر از خود یا ناامیدی و افسردگی مطلق میل به خودکشی دارند. تجاوز خشونت‌آمیز است که هرگز راهی برای جبران و ترمیم آن به صورت کامل و کافی وجود ندارد، چراکه بدترین درجه جفا و بی‌احترامی به زنان همین تجاوز جنسی است.

کنار گذاشتن زنان از فرصت‌ها و موقعیت‌ها:

برخی مراکز و مجامع یا برخی محیط‌های کاری و آموزشی ورود زنان را یا به صورت کلی ممنوع اعلام می‌کنند یا به صورت ضمنی فرصتی برای ورود زنان فراهم نمی‌کنند و به نوعی با دست‌های پشت پرده اذن ورود و حضور زنان در برخی محیط‌ها را محدود می‌کنند. در مواردی از این دست زنان با وجود توانایی هوشی و علمی و با وجود توانمندی و درایت و کارایی بالا، صرفاً به جهت زن بودن از این موقعیت و فرصت محروم می‌شوند و این مورد نیز یکی از موارد خشونت علیه زنان است. مثلاً مریم با وجود اخذ مدرک تحصیلی لازم و سابقه کاری متناسب با شغل خاصی به جهت زن بودن بارها در مصاحبه کاری مورد تمسخر و استهزا قرار گرفته است و قصد اقدام قانونی علیه آمرین و عامدین این اتفاقات را داشت.

تمسخر و استهزا، روان‌شناسی‌های زرد

علیه زنان، لطیفه‌های بی‌معنی علیه زنان:

«دختر است دیگر... راننده حتما خانم است... بهتر است پشت لباسشویی بشینید تا ماشین (اتومبیل)... چون تو دختری... آنها پسر هستند فرق دارند... دختر که بلند نمی‌خندد... زنان را چه به...»

اینها تنها نمونه‌های کوچکی هستند که امروزه با پیشرفت تکنولوژی و ازدیاد و فراوانی وجود گوشی‌های موبایل در دست همگان، شاهد این قبیل متن‌ها در پیج‌ها یا کانال‌ها و سایت‌ها هستیم. روان‌شناسی زرد اما امری است که در جای خود امکان بحث و واکاوی دارد لکن به همین مقدار و میزان بسنده کنیم که متأسفانه در مواردی این امر زنان را

هدف و نشانه گرفته است و با به‌کار بردن جملاتی از زنان موجوداتی بی‌مقدار و بی‌هدف می‌سازد که تو گویی هدف دیگری جز جلب و جذب بعضی از نگاه‌ها و توجه‌ها را ندارند و این امور کاملاً غلط و اشتباه هستند. دین مبین اسلام به صراحت اشاره کرده که زن کالا نیست! لذا باید به کرامت زنان احترام و ارج گذاشت و این جملات و عبارات جایگاهی در فرهنگ و ادبیات برای زنان ایران زمین ندارند. خشونت علیه زنان در قرنطینه و بستری کرونا:

آمارها نشان می‌دهد در دوران همه‌گیری ویروس کووید ۱۹ در ماه‌های ابتدایی قرنطینه و خانه‌نشین شدن مردان و زنان، خشونت خانگی بروز جدیدی پیدا کرد. در این دوران با تحقیر و توهین به زنان، استرس ناشی از این ویروس و فشارهای ناشی از آن درکنار خشونت کلامی و فیزیکی علیه زنان منجر به درج آمارهای جدیدی شد که موجبات تضعیف روحیه زنان و به دنبال آن ایجاد زمینه‌های افسردگی و دیگر بیماری‌های روانی دیگر فراهم گردید. مونا در دوران بستری در بیمارستان به علت ابتلا به بیماری کرونا گزارش داد که امکان رعایت حجاب شرعی و پوشش مناسب و ساختارهای مناسب برای رعایت اموری همچون حفظ حریم بین محرم و نامحرم فراهم نبوده و این امور موجب معذب و ناراحت بودن بیماران شده است.

با نگاهی اجمالی به مطالعات و تحقیقات درمی‌یابیم که زنان موجودات توانمندی هستند و توانایی‌ها و قابلیت‌های بسیار آنان به موازات و «برابری» با مردان کمک شایسته به رشد و پیشرفت هرچه بیشتر جامعه خواهد کرد. امروزه در جوامع دیگر، زنان به موازات و مساوات با مردان به جنگ با موانع و بدسگالی‌ها می‌روند و هرگز به جرم جنسیت به کنار و گوشه‌گود رانده و خوانده نمی‌شوند. ضمناً به تجربه و با نگاهی به تاریخ دریافته‌ایم آن هنگام که بانوان به راس هرم تکیه زده‌اند پیروزی از آن‌ها همگی خواهد بود. جنسیت‌زدگی به معنی هرگونه پیشداوری یا تبعیض براساس جنسیت یا جنس فرد است. پیامد این امر، تبعیض منفی نسبت به انسان‌ها و بر پایه هویت واقعی یا فرضی جنسیتی ایشان است. این مفهوم همچنین می‌تواند در اشاره به نفرت یا بدگمانی نسبت به یک جنس زن‌ستیزی یا مردستیزی یا کلیشه‌ای کردن مردانگی در رابطه با مردان و زنانگی در رابطه با زنان باشد. تبعیض جنسی به‌طور تاریخی و فرهنگی بیشتر در جهت فرودست کردن زنان و دختران به‌کار رفته است. پیامد تبعیض جنسیتی می‌تواند به گونه‌های متعددی بروز و ظهور کند و تنها راه‌هایی از این نابرابری و بی‌عدالتی؛ تکیه به خرد و دانایی مردان و زنان آگاه است.

وکیل پایه یک دادگستری

□□□□□□ 1400 □□□ 4 □□□□□□ □□□□□□:□□□□